

پژوهش متن، اسکار وایلد و شکل‌گیری دریافت عمومی از آثار وی در قرن بیستم

کامران احمدگلی

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران، ایران*

تاریخ وصول: ۸۵/۰۶/۱۹

تاریخ تأیید نهایی: ۸۵/۰۸/۸

چکیده

اسکار وایلد (۱۸۵۴-۱۹۰۰)، نویسنده نامدار انگلیسی-ایرلندی، یکی از چهره‌های شاخص ادبی دهه پایانی سده نوزدهم انگلستان است که سخن از این دوره اثرگذار در ادبیات این کشور، بدون ذکر نام وی ناممکن است. با این وجود، او در زمان مرگ، نویسنده‌ای گمنام بود که در صورت عدم تلاش مجدانه رابرت راس (۱۸۵۹-۱۹۱۸) دوست و اولین ویراستار مجموعه آثار وی در قرن بیستم، اکنون به یقین چهره‌ای فراموش شده به حساب می‌آمد. راس با استفاده از ابزار موثر «مجموعه آثار» در صنعت چاپ و نشر و کاربری فنونی که تمامی در علم «پژوهش متن» (textual criticism) ویراستاری قابل مطالعه‌اند نام وایلد را «احیا» کرده و به تثبیت متن آثار او پرداخت و با وجود انتقادات بسیاری که بر شیوه کار او و ارزش پژوهشی آن وارد است، موفق شد زمینه کلاسیک شدن نام وی را فراهم آورد. این مقاله به بررسی بعضی از اقدامات راس در این زمینه و تأثیر آن بر دریافت عمومی از آثار وایلد در بخش عمده قرن بیستم می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: ویرایش متن، اسکار وایلد، رابرت راس، مجموعه آثار، کلاسیک، تثبیت متن، موثق‌سازی.

مقدمه

جاودانه شدن نام و آثار یک نویسنده در گستره ادبیات یک ملت، به عوامل متعددی بستگی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها به طور یقین نبوغ و استعداد ذاتی وی در بیان و انتقال مفاهیم بشری به هنگام آفریدن شاهکارهای ادبی است. با این وجود، آثار یک مؤلف به ندرت بدون دخالت عوامل دیگری، همچون کمک فکری اطرافیان، نقد منتقدان پرنفوذ، به کارگیری ابزار گوناگون صنعت چاپ و نشر و تلاش ویراستاران در موثق سازی متن آثار وی، به درجه‌ای از اعتبار می‌رسد که برای او چهره ماندگار «کلاسیک» را به ارمغان آورد. شاید قابل ملاحظه‌ترین عامل در تثبیت نام یک نویسنده، علم ویرایش یا پژوهش متن باشد که با شاخه‌های متعدد خود در تمامی مراحل چاپ و نشر به همراه آثار او است و تولید اثر بدون یاری آن به دشواری ممکن است. در بیشتر موارد، و به‌ویژه در مورد مؤلفان معاصر، نویسنده خود در فرایند ویرایش دخالت مستقیم دارد و به نهایی‌سازی متن آثار و نظارت بر چاپ آن‌ها می‌پردازد اما بدیهی است که این امر در مورد بسیاری از نویسندگانی که آن‌ها را «کلاسیک» می‌نامیم صدق نمی‌کند و ویرایش آثار آنان که سالها پس از مرگ توسط خبرگان ویراستاری و پژوهش‌های ادبی و با سرمایه‌گذاری و مساعدت ناشران بزرگ انجام می‌گیرد، نقش مهمی در ماندگاری آثار و یا حتی نجات آن‌ها از فنا و نابودی برعهده دارد.^۱ بدون شک شیوه ارائه آثار در دست ویراستار و ناشر، سهم عمده‌ای در دریافت عموم از آثار نویسنده را به عهده دارد و از این روست که بسیاری از محققان برای مطالعه جدی یک اثر، ویرایش خاصی را بر دیگر ویرایش‌ها ترجیح می‌دهند.

در طول سالیان دراز رشد و نمو صنعت چاپ و نشر در انگلستان با قدمتی بیش از پنج قرن، و تجاری شدن روز افزون آن، که به ویژه با اوج‌گیری انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های ناشی از آن در قرن نوزدهم ابعاد جدیدی یافت، این عرصه به تدریج به روش‌هایی برای معرفی نویسندگان کلیدی و مطرح دست یافت که از میان آنان می‌توان به تولید گاهنامه‌های

۱- این مسئله به تفصیل در منابع مربوط به ویرایش متن مورد بررسی قرار می‌گیرد. دیدگاه مقاله حاضر خصوصاً بر گرفته از نگاه پژوهش‌گر متن معاصر Jerome J McGann در رابطه با تاثیر عوامل خارج از متن، و به ویژه ویراستار، در شکل‌گیری نهایی اثر در کتاب McGann, Jerome J., *The Textual Condition*. Princeton: Princeton University Press, 1991. می‌باشد.

متعدد و تخصصی ادبی از اواسط قرن نوزدهم و تولید رمان‌های معروف به «سه طبقه» (three-decker novels) و ایجاد «کتابخانه‌های گردش» (circulating libraries) از میانه این قرن اشاره کرد. با این وجود، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای پابرجای این دوران که تحولی اساسی در نهادن نام نویسندگان خاص در حلقه نویسندگان کلیدی ایفا کرده است، ایجاد و تکامل مفهومی به نام «مجموعه آثار» است که در مطالعات جدی و کاربردی در باره آثار یک نویسنده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. واضح است که ویراستاران و پژوهشگران متن، در ارائه یک مجموعه اثر نقشی اساسی ایفا می‌کنند و بسیاری از نویسندگان مطرحی که در صورت عدم بهره‌گیری مناسب از قابلیت‌های گوناگون علم ویرایش متن و ظرفیت‌های مفهوم «مجموعه آثار»، به احتمال زیاد امروز نامی از آن‌ها در میان نمی‌نمود. آن چه در پی می‌آید بررسی چه‌گونگی احیای نام و تثبیت آثار اسکار وایلد به عنوان یک نویسنده کلاسیک با بهره‌گیری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های «مجموعه آثار» وی و نقش این مجموعه در شکل‌دهی دریافت عمومی از آثار او در بخش عمده‌ای از قرن بیستم است.

بحث و بررسی

بنا بر یک سنت دیرینه عرصه چاپ و نشر در بریتانیا که قدمت آن به اوائل دوره ویکتوریا (۱۸۳۲-۱۹۰۱) باز می‌گردد، کلیه آثار یک نویسنده که قرار داشتن نام وی در حلقه نویسندگان محوری یا به اصطلاح کلاسیک، محرز شده است، به شکل یک مجموعه اثر نفیس به همراه مقدمه‌های مفصل و پا نوشت‌ها و پی‌نوشت‌های متعدد که حاصل تحقیق و مطالعه دقیق ویراستاران در باب موثق‌سازی متن آثار وی است توسط ناشران معتبر و بین‌المللی (چون آکسفورد، کمبریج و مک‌میلان) به چاپ می‌رسد. این نکته البته به معنای عدم وجود مجلدات متعدد و بعضاً کامل دیگر از آثار نویسنده نیست، بلکه دلالت بر کار پژوهشی - متنی سازمان یافته و گسترده در باب مقایسه متون و دست‌نویس‌های مختلف موجود و «تثبیت» متن آثار او دارد، تا محققان با اطمینان کامل از اصالت آثار و در اختیار داشتن انبوهی از اطلاعات متنی که معمولاً تنها در چنین مجموعه‌هایی ارائه می‌شوند به تحقیق درباره نویسنده مورد علاقه خویش پردازند.

چاپ چنین مجموعه‌هایی که تهیه و انتشار آن‌ها معمولاً با صرف هزینه و زمان بسیار و همکاری ویراستاران با تجربه میسر می‌شود در عمل مهر تأییدی بر اهمیت نویسنده و

«کلاسیک» بودن وی به ویژه برای مطالعه در محیط‌های دانشگاهی است؛ با این وجود نویسندگان مهمی چون رمان نویس مشهور قرن هجده انگلستان، دانیل دفو (۱۷۳۱-۱۶۶۰) خالق رابینسون کروزوئه (*Robinson Crusoe*) یا نویسنده بزرگ انگلیسی-ایرلندی جیمز جویس خالق *اولیس* وجود دارند که متن آثار آنان هیچ‌گاه به شکل سازمان یافته و یک دست موثق سازی نشده و در قالب یک مجموعه به چاپ نرسیده است. از عمده‌ترین دلایل این امر می‌توان گستردگی و پیچیدگی بیش از حد آثار، دشواری دسترسی به منابع تحقیقی مورد نیاز، هزینه بالای شروع پروژه ویراستاری و در اختیار قرار داشتن حق انحصاری چاپ و انتشار آثار آنان توسط یک ناشر خاص، ذکر کرد. با این وجود بسیاری از نویسندگان که علی‌رغم گذشت زمان بسیار از قرار گرفتن در زمره چهره‌های کلیدی یک عصر و نبود عوامل بازدارنده فوق درباره آنان، از داشتن مجموعه اثری که کارهایشان را به شکل موثق و درخور شأن کلاسیک آنها ارائه دهد، محروم اند. شاید یکی از مهم‌ترین نویسندگان از این دست در مجموعه افراد جریان ساز و مورد توجه خاص در مطالعات ادبی بریتانیای عصر ویکتوریا، اسکار وایلد، رمان نویس، نمایشنامه نویس و منتقد بزرگ دهه آخر این عصر باشد. با این وجود، نبود یک مجموعه آثار معاصر و تمام عیار در مورد وایلد که بر اساس قوانین جدید تحقیق در باب موثق سازی متون و ویراستاری نوین گردآوری شده باشد، به معنای آن نیست که آثار وی تا کنون در مجموعه‌ای گردآوری نشده است. حقیقت آن است که آثار وایلد کمی بیش از هشت سال پس از مرگ او در سال ۱۹۰۰، توسط رابرت راس، دوست و اولین ویراستار وی، در مجموعه‌ای نفیس و چهارده جلدی ویرایش و جمع‌آوری شد^۱ که هر چند به دلائل فنی و تحقیقی علم ویراستاری امروز از ارائه متون موثق آثار وایلد باز می‌ماند، اما دست کم به یکی از اهداف مهم چاپ یک «مجموعه اثر» بنا به تعریف امروزی آن که همانا در دسترس قرار دادن کلیه آثار نویسنده، ماندگار کردن نام وی در حلقه نویسندگان مهم دوران خود و شکل دهی دریافت عمومی منتقدان و خوانندگان از آثار وی است، دست می‌یابد.

رابطه متقابل بین جایگاه یک نویسنده و اعتباری که ویرایش و نهایی سازی آثار وی در

۱- ر.ک. به:

Robert Ross, ed., *The First Collected Edition of the Works of Oscar Wilde*. 14 vols. London: Methuen, 1908.

قالب یک مجموعه اثر به آن می‌بخشد سابقه‌ای طولانی دارد که لااقل به زمان خود وایلد و فرهنگ نشر اواخر قرن نوزدهم باز می‌گردد: نویسندگان مهمی چون، الفرد لرد تینسون (۱۸۰۹-۱۸۹۲) تامس هاردی (۱۸۴۰-۱۹۲۸) رابرت براونینگ (۱۸۱۱-۱۸۸۸) و هنری جیمز (۱۸۴۳-۱۹۱۶) همگی صاحب یک و یا چند مجموعه آثار بودند که عمدتاً خود در ویراستاری و نهایی‌سازی متن آن‌ها نقش مستقیم داشتند.^۱ گاه این نکته چنان برای نویسنده حائز اهمیت بود که او زمانی طولانی از عمر خلاق خود را صرف ویرایش نسخه نهایی آثارش می‌کرد و آن‌ها را به همراه مقدمه‌های مشروح در باره شیوه نگارش و فلسفه وجودی و معنای اثر به چاپ می‌رسانید. شاید مجموعه آثار موسوم به "نسخه نیویورک" (The New York Edition, 1907-1909) هنری جیمز را بتوان بهترین نمونه تلاش‌های یک نویسنده در این باره به حساب آورد (میلگیت ۱۹۹۲، ۷۱-۹۸) در حقیقت ویرایش جیمز از متن آثار خود، در موارد متعددی به "بازنویسی" آن‌ها منتهی می‌شد و مقدمه‌های او بر آثار که به طور عمده به شرح چگونگی خلق و دشواری‌های نگارش آن‌ها باز می‌گردد از چنان وزن و اعتباری برخوردار است که شکل گردآوری شده آنها تحت عنوان «هنر رمان» (*The Art of the Novel*, 1934) از زمان چاپ در سال ۱۹۳۴ تاکنون به عنوان یکی از آثار مهم در زمینه نقد رمان مورد استفاده بوده است.

در برخی موارد، نویسندگان مطرح عصر وایلد، آثار خود را در چندین مجموعه تصحیح کرده و متون نهایی شده را به قیمت‌های متفاوت و برای مخاطبان گوناگون به بازار فرهنگ عرضه می‌کردند. قاعده نشر عصر ویکتوریا در این زمینه را می‌توان چاپ مجموعه آثار در سه مرحله دانست: نخست چاپ یکسان و میان قیمت، سپس نسخه جیبی و کم قیمت برای مطالعه عموم و دست آخر نسخه نفیس و گران قیمت برای استفاده در کتابخانه‌ها و گردآوری توسط مجموعه داران. این مهم بدان معناست که در عرف نشر، چاپ نسخه نفیس تنها پس از تثبیت تدریجی نام نویسنده و حصول اطمینان از جایگاه خاص او میسر می‌گردید، حال آن که وایلد در زمان حیات هیچ مجموعه اثری از خود به چاپ نرسانید تا به تثبیت نام و متن آثار خود پردازد. واقعیت این است که وایلد در زمان مرگ نویسنده‌ای گمنام و شاید حتی «بد نام» به شمار می‌رفت و با توجه به فرهنگ نشر اوایل قرن بیست بریتانیا، چاپ مجموعه‌ای از آثار او

۱- درباره شیوه نهایی‌سازی متون آثار توسط برانینگ، تینسون، جیمز و هاردی رجوع شود به Millgate.

که بتواند به مفهوم متداول، نام وی را زنده نگاه دارد، محکوم به شکست بود.^۱ با علم به این موارد و بدون پیروی از قاعده سه مرحله‌ای فوق در صنعت نشر، راس در سال ۱۹۰۸ دست به ویرایش و چاپ مجموعه اثری گران قیمت و نفیس از کلیه نوشته‌های وایلد زد که در چارچوب عرف دوران خود در زمینه ویرایش و آماده سازی چنین مجموعه‌هایی، تصمیمی جسورانه به شمار می‌رفت. در واقع، این جایگاه ادبی و اقبال عمومی به وایلد نبود که به مجموعه آثار او اعتبار می‌بخشید، بلکه نوع ویرایش و شیوه چاپ آن مجموعه بود که اعتبار ادبی از دست رفته او را به تدریج ابقا می‌کرد و نام وی را بر نقشه ادبی عصر ویکتوریا قرار می‌داد. علاوه بر این، محصول فعالیت‌های ویراستاری راس که به مدت بیش از نود سال در عمل تنها مرجع متن کلیه آثار وایلد به حساب می‌آمد، به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم دریافت عمومی از آثار وی را شکل می‌داد و از این رو به شیوه‌ای منحصر به فرد، بیانگر اهمیت در نظر گرفتن عامل ویرایش و یا اصطلاحاً «پژوهش متن» در مطالعات ادبی است.

همان طور که گفته شد، مهم‌ترین مانعی که راس برای شروع پروژه ویرایش آثار وایلد با آن مواجه بود، عدم محبوبیت نویسنده نزد خوانندگان و تصویر منفور وی در میان هم عصرانش در جامعه انگلستان بود. راس به خوبی می‌دانست که بدون تغییر اساسی نگرش نسبت به شخصیت وایلد که نزد عموم مردم به هرزگی و فساد شهرت داشت و هنوز خاطره تلخ بی‌اعتنایی و رفتار اهانت بار وی نسبت به ارزش‌های اخلاقی جامعه در اذهان زنده بود، چاپ و نشر آثار وی به یقین با شکست همراه خواهد شد. به همین جهت او برای تغییر فضای خصمانه موجود علیه وایلد، دست به کاری زد که شاید در تاریخ پژوهش و ویرایش متن در انگلستان بی سابقه باشد: وایلد به هنگام سپری کردن دوران محکومیت با اعمال شاقه خود در زندان ردینگ، نامه‌ای خصوصی به دوست خود آلفرد داگلاس نوشت که در آن او را باعث زندانی شدن و از بین رفتن آبروی خود در جامعه و در نهایت سرنوشت غم‌انگیز خود به عنوان یک نویسنده، می‌دانست؛ او در این نامه بلند پنجاه هزار کلمه‌ای که می‌توان آن را به نوعی خود زندگی نامه دوران بحران زندگی وی تلقی کرد، به شرح جزئیات گناهان و

۱- درباره زندگی وایلد و خصوصاً حوادثی که در عمل به مرگ زود هنگام ادبی او در اوج شهرت در سال ۱۸۹۵ انجامید، به کتاب Ellmann, Richard, ed., *Oscar Wilde*. London: Hamish Hamilton, 1987. مراجعه گردد.

هرزگی‌های خود می‌پردازد و در اغلب اوقات با زبانی انتقام‌جویانه، داگلاس را مورد عتاب قرار داده و وی را مسبب وضع فلاکت بار زندگی خود می‌داند. لحن کلی و شیوه بیان این نامه که متن کامل آن برای اولین بار پس از گذشت بیش از شصت سال از نگارش آن در سال به چاپ رسید (هارت دیویس ۱۹۶۲، ۶۷۳-۵۶۷)، کاملاً ستیزه‌جویانه و پرده‌درایانه است و به شکلی نیست که به هیچ روی برای اغلب خوانندگان عصر ویکتوریا خوشایند و قابل قبول بوده باشد؛ با این وجود، او در لابه‌لای متن نامه که به علت شرایط بسیار نامطلوب نگارش آن در زندان و پریشانی ذهنی متأثر از چنین شرایطی با ناهمگونی‌های مفهومی و نگارشی فراوان همراه است، با توسل به عباراتی نمادگون که اعتقاد وی به خداوند و حضرت مسیح را باز می‌نمایاند، احساس تأسف و پشیمانی خویش را از عرف شکنی و هتک حرمت ارزش‌های جامعه ویکتوریایی نشان می‌دهد و از خداوند و مردم عصر خود طلب بخشایش می‌کند. راس که خود پس از آزادی وایلد از زندان مسئولیت رساندن این نامه را به داگلاس بر عهده گرفته بود، مخفیانه نسخه‌ای از آن را برای خود نگاه داشته بود. او به یقین می‌دانست که چاپ تمامی این نامه در فضای جامعه هم نسلان وایلد جز بی‌آبرویی مضائف برای نویسنده چیزی به ارمغان نخواهد آورد. اما شکی وجود نداشت که چاپ بخش‌هایی از آن، هدف وی را برای تغییر نگرش عموم در باره شخصیت وایلد، تأمین خواهد کرد. برای نیل به این منظور، راس متن نامه را به نوعی ویرایش کرد که بر اساس آن بخش عمده و مسئله‌ساز آن (حدود ۲/۳ متن) به طور کامل حذف و بخش‌های دیگر، که در آن وایلد از اعمال خود به زبانی دردآور ابراز ندامت می‌کند، به شکل گزینشی و با هدف جلب ترحم و درخواست گذشت جامعه از سر تقصیرات او، «اصلاح» شد. او سپس متن ویراسته را در سال ۱۹۰۵، حدود پنج سال پس از مرگ نویسنده، به چاپ رسانید.^۱

همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود راس با انجام این ویرایش نه چندان صادقانه، موفق به جلب حس همدردی قریب به اتفاق کسانی شد که به دلایل گوناگون از وایلد نفرت داشته و

۱- بدیهی است که این نامه در اصل برای چاپ و انتشار نوشته نشده بوده است اما راس آن را تحت عنوان انجیلی *De Profundis* به چاپ رساند. این اثر از آن زمان به بعد تحت همین عنوان شناخته می‌گردد. *De Profundis* در زبان لاتین به معنای "از اعماق" است و دو واژه آغازین "زبور داود" در انجیل را تشکیل می‌دهد که با مطلع "خداوندا! از اعماق قلب نام تو را فریاد می‌زنم" یکی از هفت مزامیر ندامت‌آمیز انجیل به شمار می‌رود.

علاقه‌ای به خواندن آثار وی نداشتند. حس گذشت از گناهان وایلد تا جایی پیش رفت که یکی از مقامات متنفذ کلیسا پس از خواندن آن چنین نوشت: "اعترافات این نامه، میراثی رقت آور و برای همگی ما عبرت آموز است. این نامه به یقین جای خود را میان آثاری که فرد در آن با کاوش روح خود به کشف حقیقت می‌رسد، باز خواهد کرد (راس، ۱۹۵۲، ۱۵۴) این اظهار نظر که می‌توان آن را بیانگر همگی نقد و نظرات منتشر شده پس از چاپ نامه به حساب آورد در عمل زدودن همان تصویر منفی بود که راس به آن نیاز داشت تا به انجام اقدامات بعدی برای چاپ مجموعه نوشته‌های وایلد مبادرت ورزد. استقبال بی‌سابقه مردم از این اثر تضرع آمیز و چاپ‌های مکرر بعدی^۱ مؤید آن بود که آثار در دست تهیه با واکنش سرد و یا منفی خوانندگان مواجه نخواهد شد. در حقیقت می‌توان ادعا کرد که گرایش خوانندگان به آثار وایلد، حداقل تا نیمه اول قرن بیستم، تحت تأثیر مطالب مندرج در این نامه قرار داشت: در اوج عصر نقد تاریخی - زندگی نامه‌ای متداول در این دوران، خوانندگان، متن نامه را به عنوان اعترافات روحی وایلد در نظر گرفته و آثار دیگر وی را نیز در سایه واگویی‌ها و دل‌مشغولی‌های مندرج در آن ارزیابی می‌کردند.

راس، علاوه بر ویرایش و چاپ حساب شده نامه فوق، برای جلب نظر بیشتر مخاطبان دست به رشته‌ای دیگر از اقدامات زد که در حوزه سیاست نقد متن و ویرایش قابل بررسی‌اند. اولین مسئله در این باره چاپ آثار وایلد به ترتیبی بود که برخلاف عرف تثبیت شده در مجموعه آثار دیگر نویسندگان، از تقدم و تاخر زمانی اصلی نگارش آثار در زمان حیات نویسنده پیروی نمی‌کرد. این نکته قابل تأملی است چرا که راس مجلدات آثار وایلد را به تدریج و در فاصله زمانی نسبتاً بلندی به چاپ رسانید^۲. بنابراین، این آثار در ابتدا به شکل یک «مجموعه» کامل در اختیار مخاطبان قرار نگرفتند. وایلد در زمان حیات ادبی نسبتاً کوتاه خود در بسترهای گوناگون ادبی و حتی ژورنالیستی مطلب نوشته بود که بی شک همه آن‌ها از اهمیت و اعتبار یکسانی برخوردار نبودند. درواقع، او در نظر مخاطبان مجموعه آثار بیشتر به

۱- اطلاعات کتابنامه‌ای کامل در مورد چاپ‌های این اثر در دهه اول قرن بیستم در کتاب Mason, Stuart, *A Bibliography of Oscar Wilde*. London: T. Werner Laurie, 1914. را بیابید.

۲- تکمیل چاپ مجموعه قریب به ده ماه زمان برد. اولین مجلدات مجموعه در قالب یک مجموعه شش جلدی از نمایشنامه‌های وایلد در فوریه ۱۹۰۸ و آخرین جلد آن شامل نوشته‌های ژورنالیستی وی در اکتبر همان سال به چاپ رسید. رجوع شود به *A Bibliography of Oscar Wilde*.

عنوان یک نمایشنامه نویسنده شناخته شده بود و خوانندگان حتی از این که او بخش اعظم فعالیت نویسندگی خود را به نوشتن نقدهای گوناگون در روزنامه‌های عصر خویش و آن هم بدون امضا گذرانده بود آگاهی نداشتند. بدیهی است که اگر مجموعه آثار ویراسته راس، به عنوان مثال بر اساس تقدم متداول زمانی با متون ژورنالیستی نه چندان برجسته وایلد شروع می‌شد، احتمال این که اعتبار ادبی-هنری مجموعه، زیر سؤال رفته و خوانندگان را از تهیه مجلدات در حال چاپ دیگر باز دارد، وجود داشت. در این ارتباط جالب توجه است که راس مجموعه را با نمایشنامه‌های موفق وایلد، مانند اهمیت/رنست بودن (۱۸۹۵) آغاز می‌کند و حتی تصویر دوریان گری (۱۸۹۱) تنها رمان وایلد را که از نظر زمانی مقدم بر تمام نمایشنامه‌های اوست، به عنوان جلد نهم از چهارده جلد به دست چاپ می‌سپارد.

نکته مهم دیگر در زمینه سیاست ویراستاری راس برای هر چه بیشتر مطرح کردن نام وایلد، نوع خاص ویرایشی است که او در ارتباط با آثار مختلف نویسنده به کار می‌برد. بدیهی است که نمی‌توان بر مبنای روش‌های پیشرفته پژوهش متن قرن بیستم به توضیح روش تحقیق و پژوهش راس برای نشر یک دست متون آثار وایلد پرداخت، چرا که معیارهای زمان وی برای ویرایش و ارائه متون موثق از آثار کلاسیک به شدت تجربی بوده و اغلب کسانی که به کار ویرایش می‌پرداختند، بر اساس سلیقه و «شم» خود دست به این کار می‌زدند. با این وجود حتی در همان زمان نیز ویراستاران در مقدمه و یا موقرۀ اثر به شرح نوع فعالیت و روش کار خود و نسخ مورد استناد برای ارائه متن نهایی از اثر مورد ویراستاری می‌پرداختند و بودند آثاری که حتی با معیارهای امروزی نیز ماندگار تلقی شده و مورد استناد محققان برجسته قرار می‌گیرند. اما کار مورد ویراستاری راس در این مقوله نمی‌گنجد، چرا که به نظر می‌آید اصولاً تنها ملاحظه او در آماده سازی متون وایلد، ارائه «بهترین» متن از وی بوده است و در این راه با توجه به نوع اثر، انجام هر گونه ویرایشی را در متن اصلی جایز می‌دانسته است. این کار به سادگی با بررسی آثار چاپ شده بر مبنای روش‌های نوین ویراستاری و اثری که راس در سال ۱۹۰۸ از وایلد به چاپ رسانده است، قابل ملاحظه می‌باشد.^۱ حقیقت این است که اثر راس

۱- شاید بهترین نقطه شروع در این باب مقایسه چاپ اخیر تصویر دوریان گری به ویراستاری دونالد لالر (Lawler, Donald, *Oscar Wilde, The Picture of Dorian Gray*. New York: W. W. Norton, 1988.)

با اثر راس است.

به شکلی کاملاً نامتعارف و تأمل برانگیز از فراهم آوردن هر گونه اطلاعاتی در باره آثار وایلد سر باز می‌زند: با وجود «بازنویسی» اختیاری وایلد در موارد متعدد برای ارائه متنی یکدست از وی، در عمل ارائه جزئیات تفاوت‌های متنی نسخه‌های اصلی مورد بررسی او به هنگام فراهم آوردن متن «قطعی» و «نهایی» نمی‌توانسته است، امکان پذیر بوده باشد. البته شاید نتوان از این رو بر کار ویراستاری راس خرده گرفت، چرا که نقش وی در بازنویسی آثار وایلد، حتی به زمان حیات خود نویسنده و به درخواست و رضایت وی در این باره باز می‌گردد. معروف است که شکل فعلی «زمین سوخته» (۱۹۲۲) تی.اس. الیوت مدیون بازخوانی‌ها و ویراستاری عمده دوست شاعر او ازرا پاوند است. وایلد نیز در زمان حیات همواره نظر راس را درباره آثار خود جویا می‌شد و غالباً نظرات او را در نگارش کارهای خود اعمال می‌کرد. اما به هر حال این که یک ویراستار خود را مجاز بداند تا برای ارائه بهترین متن از آثار یک نویسنده، آزادانه در متن آن‌ها دخالت کند در اکثر نظریه‌های پژوهشی متن مجاز نیست زیرا هدف و مراد در اغلب اوقات، به دست آوردن متنی است که قصد نهایی خود نویسنده در باره آثار او را نشان دهد.^۱

راس علاوه بر سعی در ارائه دادن «بهترین» متن از وایلد، برای جلب توجه عموم دست به اقدامات دیگری زد که یقیناً در به ثمر رساندن پروژه ویراستاری او اهمیت به سزایی داشت. یکی از این اقدامات، چاپ و نشر مجموعه آثار توسط ناشری بود که در چاپ آثار ادبی مهم و مقبول دوران خویش، تبحر و تخصص داشته و از احترام عمومی در این زمینه برخوردار بود. طبیعی است که اسم و رسم ناشر و اطلاع و اعتماد خوانندگان نسبت به سطح آثاری که توسط وی به چاپ می‌رسد، ممیزه مهمی در ایجاد وجهه برای یک اثر محسوب می‌شود و خوانندگان علاقه‌مند اغلب نام شناخته شده یک ناشر را با کیفیت آثار چاپ شده توسط وی مرتبط می‌دانند. مکاتبات وایلد نشان می‌دهد که وی در زمان حیات به خوبی بر این نکته آگاه بوده

۱- علم پژوهش متن دارای نحله‌های متعدد است که برخی از مهمترین شاخه‌های آن بر به دست آوردن قصد و نیت اصلی نویسنده در باب آثار او تأکید دارند. برای توصیف اجمالی شاخه‌های مختلف ویراستاری در قرن بیستم رجوع کنید به *Shillingsburg, Peter, Scholarly Editing in the Computer Age: Theory and Practice*. Ann Arbor: University of Michigan Press, 1996. برای بررسی مفهومی عام علم ویراستاری و پیچیدگی‌های آن به کتاب *Gaskell, Philip, From Writer to Reader: Studies in Editorial Method*. Oxford: Clarendon Press, 1978. رجوع شود.

است، اما به جهات متعددی که شاید برخی از آنها برگرفته از ابعاد شخصیتی وی بوده است، هیچ‌گاه موفق به جلب اعتماد ناشری به نام و معتبر برای چاپ و نشر آثار خود نمی‌شود. در حقیقت، آثار وایلد به ویژه پس از مرگ وی و بدون هیچ‌گونه نظارت بر متن آنها توسط ناشرانی در بریتانیا، اروپا و آمریکا به چاپ می‌رسید که اولین ممیزه آنها ورشکستگی فرهنگی و شهره بودن به نشر آثار نازل و دست‌چند عشقی و غیر اخلاقی بود. با این اوصاف چاپ مجموعه اثر مورد ویراستاری راس، توسط ناشر بین‌المللی و برجسته‌ای به نام متوئن (Methuen) که در کارنامه چاپ و نشر خود نام نویسندگان بزرگی چون تامس هاردی، رابرت لوییس استیونسون (۱۸۹۴-۱۸۵۰) و هنری جیمز را داشت، پیروزی بزرگی برای احیای نام وایلد به عنوان نویسنده‌ای جدی به شمار می‌رفت. این ناشر که در قرن بیستم به تدریج به یکی از استوانه‌های فرهنگ و ادبیات بیستم تبدیل شد، مجموعه آثار وایلد را در شمارگان هزار جلد به شکل نفیس و بنا به روش دوران در باب آثار ماندگار، بر کاغذ دست‌ساز با لبه‌های طلایی و صحافی با جلد سفید و پوشش سبز تیره که نام اثر و نویسنده با خط زرین بر آن نقش بسته بود، به بازار عرضه کرد. باید توجه داشت که این خصوصیات فیزیکی و کیفیت عالی چاپ، وقار خاصی به مجموعه می‌داد که به شدت مورد توجه منتقدان زمان خود قرار گرفت: آنها برای اولین بار پس از سال‌ها وایلد را در یک بافت «جدی» و «گرانبها» مورد نقد و مطالعه قرار می‌دادند و شکی نیست که این عوامل بر نظر آنان درباره مجموعه تأثیرگذار بود.

همان‌گونه که انتظار می‌رفت اقدامات و تصمیمات ویراستاری فوق، زمینه و تقاضایی برای آثار وایلد ایجاد کرد که مجموعه آثار را از نظر فروش به موفقیت رساند و در کمتر از یک سال به چاپ دوم و چاپ‌های متعدد بعدی کشاند، اما نباید از نظر دور داشت که با وجود موفقیت تجاری مجموعه، شأن فرهنگی و تحقیقی آن از همان ابتدا با سئوالاتی مواجه شد که

۱- لازم به ذکر است که این ناشر در قرن بیستم آثار نویسندگان بزرگی چون تی. اس. الیوت و دی. اچ. لارنس را نیز به چاپ رسانید. در ضمن، متوئن از جمله اولین ناشران در کشورهای انگلیسی‌زبان بود که جهت اعتلای فرهنگ عامه مردم به ارائه انبوه آثار کلاسیک در قالب نسخه‌های ارزان قیمت معروف به «جیبی» پرداخت. برای اهمیت و نقش به‌سزای متوئن در مطرح کردن نام جمعی از مهمترین نویسندگان ادبیات انگلستان در قرن بیستم رجوع شود به Duffy, Maureen, *A Thousand Capricious Chances: A History of the Methuen* list 1889-1989. London: Methuen, 1989. صفحات ۱۹ تا ۴۱.

برخی از آن‌ها در عمل به روش‌های راس برای ارتقاء مجموعه و شیوه‌های فوق برای متقاعد کردن خوانندگان به خرید آثار وایلد باز می‌گردد. با وجودی که منتقدان معاصر بر ویژگی‌های ظاهری مجموعه صحه گذاشته و آن را زیبا و چشمگیر و فاخر می‌خواندند، اما چاپ آن به هیچ روی منتهی به ارزیابی مجدد دستاوردهای ادبی وایلد و یا بررسی نظام مند شیوه‌های خلق اثر توسط وی نشد. در حقیقت رویکرد مجدد به آثار وایلد نه از روی احترام خاص خوانندگان به «متن» کارهای وی، بلکه به جهت نوعی ترحم و کنجکاوی نسبت به شخصیت جنجالی و رقت برانگیزی که عمدتاً برخاسته از چاپ نامه‌ی پر از تأسف فوق بود، باز می‌گشت. همان طور که ملاحظه شد، چاپ این نامه برای بالا بردن درجه‌ی همدردی با وایلد و در نهایت هموار کردن راه فروش مجموعه آثار وی انجام شده بود، اما با انجام این امر آثار وایلد در عمل نسبت به زندگی جنجال برانگیز وی در جایگاهی ثانویه قرار گرفت و نگرشی را پایه گذارد که برای سال‌ها طرز تفکر غالب در باره‌ی وایلد را شکل داد: دیدگاهی که اغلب اوقات وایلد را نه به جهت «خود آثار»، بلکه به جهت حواشی زندگی او مورد ارزیابی قرار می‌داد.

روش‌های ویراستاری فوق تبعات منفی دیگری را نیز برای وایلد در جایگاه یک هنرمند و نویسنده به همراه داشت. وایلد به عنوان یک نویسنده‌ی مطرح دهه‌ی آخر قرن نوزدهم همواره در معرض این اتهام قرار داشت که آثار او در مقایسه با نویسندگان طراز اول قرن، خالی از محتوا است و مطلب زیادی در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد. در حقیقت او نویسنده‌ای بود که بر خلاف عرف دوران خود زیاد نمی‌نوشت و همیشه نوشته‌های خود را بازنویسی کرده و در آثار خود تجدید نظر می‌کرد که نمونه آن جمع آوری آثار ژورنالیستی خود و چاپ آن‌ها، به عنوان مثال، در قالب کتاب *نقد نیات (Intentions, 1892)* می‌باشد. در یکی از موارد، در رابطه با کتاب معروف *سفینکس (Sphinx, 1894)* که تنها متشکل از یک شعر با همین نام بود، هنگامی که وی با کمبود مطلب برای رساندن شعر به سطح و اندازه‌های یک کتاب قابل فروش مواجه شد، از ناشر خود خواست تا بر اندازه‌ی حاشیه‌ها بیفزاید، برای متن شعر از حروف بزرگ استفاده کند و بر تعداد صفحات خالی اول و آخر کتاب اضافه کند. شکی نیست که کتاب‌های آماده شده تحت سرپرستی وایلد در اوج دوران اشتهار وی در نیمه‌ی اول دهه‌ی آخر قرن نوزدهم از نظر کیفیت ظاهری و طرح و نقش و تصویر از آثار ماندگار دوره‌ی اوج سمبولیسم در انگلستان به شمار می‌آیند، اما در عین حال شواهد موجود و مطالعه‌ی نقد منتقدان

معاصر نشانگر آنند که این آثار، حداقل از دیدگاه مقایسه با آثاری که در بزرگی آنها در ادبیات قرن نوزدهم اتفاق نظر وجود دارد، از محتوای چندانی (به معنای اخص آن) برخوردار نیستند. متأسفانه تصمیمات ویراستاری راس در تولید مجموعه آثار وایلد این دیدگاه را تحکیم و تأیید می‌کند، چرا که تأکید بیش از حد او بر «ظاهر» مجموعه (به بهای عدم رعایت امانت و اصول مسلم ویرایش متن) که برخی از آنها بر گرفته از روش‌های خود نویسنده برای ارائه آثار خویش بود، در عین زیبایی، اولویت را از «متن» آثار گرفته و به «حاشیه» آنها منتقل می‌کند.

در این دیدگاه، کیفیت بالای چاپ و استفاده از تجملاتی همچون جلد چرم سفید و قلم تایپ زیبا و حاشیه‌های عریض و کاغذ دست ساز، تبدیل به ابزاری شدند که نظر تثبیت شده منتقدان معاصر وایلد را مورد تأکید قرار می‌داد و آن این بود که آثار وایلد چیزی جز «سطح» نبوده و از قوام ذاتی و محتوای مورد نیاز آثار کلاسیک برخوردار نیستند. با تصمیم به حذف اقلام حیاتی و متداول در دیگر مجموعه آثار وزین همچون مقدمه‌های مفصل در زمینه هنر نویسنده و متن آثار مورد ویراستاری و لحاظ کردن منابع مورد تحقیق برای گردآوری مجموعه و تفاوت‌های متنی نسخه‌های گوناگون مورد استناد برای رسیدن به متن قطعی اثر نویسنده، راس در عمل، به انتقاد سطحی بودن و تا حدی ساده‌انگاری در به دست دادن متن موثق از آثار وایلد، دامن می‌زند.

وجود دست‌نوشته‌های متعدد از وایلد نشان می‌دهند که بر خلاف تصور عام در باب ایده خلق آنی و یک باره اثر توسط وی، فرایند نوشتن برای او به هیچ وجه ساده نبوده و تنها پس از بازنگری‌های متعدد و مشورت‌های بسیار به متن نهایی اثر خود می‌رسیده است. با توجه به این که راس در واقع منبع دست‌نوشته‌ها و مدارک دیگر مربوط به وایلد است و بسیاری از منابعی متنی در اختیار محققان وایلد در عمل از مجموعه‌های راس استخراج شده‌اند او یقیناً از این امر آگاه بوده است، اما ظاهراً ارادت او به دوست دیرینه‌اش باعث شده است که تمایلی به برهم زدن تصور عمومی از وایلد، به عنوان نابغه‌ای که بدون نیاز به بازنگری در متن آثار خود به خلق «شاهکار» می‌پرداخت، نداشته باشد. این نکته، با فلسفه وجودی مجموعه آثار به مفهوم خاص منافات دارد و از وزن پژوهش‌مداری آن به شدت می‌کاهد. در این زمینه مقایسه مجموعه اثر ویراسته راس با مجموعه اثر بیست جلدی آثار جان راسکین به ویراستاری دو

محقق متن برجسته اوائل قرن بیستم مفید است.^۱ این دو محقق نه تنها به ارائه توضیحات قابل ملاحظه و کارآمد برای تسهیل در درک آثار راسکین می‌پردازند، بلکه اطلاعات کامل کتابنامه‌ای و تاریخ مشروح نگارش متون و فهرستی کامل از تفاوت‌های متنی نسخه‌های مختلف راسکین را نیز در اختیار خواننده می‌گذارند. به این ترتیب، بر خلاف مورد وایلد، خواننده راسکین در جریان پیچیدگی‌های نگارش آثار نویسنده قرار می‌گیرد و متوجه این موضوع می‌شود که نویسنده تا چه حد حرفه خود را جدی می‌گرفته است. متأسفانه، درست عکس این موضوع در باره مجموعه آثار وایلد صادق است و این به برداشتی از آثار وی دامن زد که تنها در پایان قرن بیستم و روی آوردن محققان متعدد به بررسی جدی دست نوشته‌های وایلد و جایگاه واقعی او در میان نویسندگان سمبولیست انگلستان تغییر یافت.^۲

با این وجود شکی نیست که جایگاه و تأثیر مهم اسکار وایلد در ادبیات قرن نوزدهم انگلستان، بدون زحمات و تصمیمات ویراستاری راس به دست نمی‌آمد. او را باید به حق زنده کننده نام وایلد در جهان ادبیات دانست که این نقش را به شکلی کاملاً آگاهانه، با دور اندیشی تمام و با وجود موانع عملی بسیار به انجام رسانید. در شرایط و صحنه ادبی اوایل قرن بیستم انگلستان که افراد بیشتر از سر ترحم و کنجکاوی به خرید آثار مورد ویرایش راس روی می‌آوردند، او اندکی پس از چاپ مجموعه آثار در سال ۱۹۰۸، هدف خود از چاپ آثار وایلد را این گونه بیان می‌دارد: «مطمئنم روزی فرا خواهد رسید که نگرش به وایلد و مطالعه آثار او در انگلستان همان گونه باشد که اکنون در مورد نویسندگانی چون والت ویتمن، ادگار الن پو و ناتانیل هاتورن در آمریکا وجود دارد.» این ها همگی از بزرگ‌ترین نویسندگان عصر خویش به شمار می‌رفتند. هدف راس در نهایت قرار دادن وایلد در جایگاه نویسندگان کلاسیک عصر

۱- کتاب مشترک الکساندر ویدربرن و تیموتی کوک

(Cook, E.T. and Alexander Wedderburn, eds. *The Works of John Ruskin*. London; New York: G. Allen: Longmans, Green, and co, 1903-12)

که درست سه سال پیش از مجموعه آثار وایلد به چاپ رسیده است و حتی امروز نیز متن آن مورد استناد محققان راسکین است.

۲- یکی از معتبرترین آثاری که متون نویسندگان کلاسیک را به شکل موثق شده و بر اساس آخرین دستاوردهای فن ویرایش ارائه می‌دهد مجلات معرف به OET یا Oxford English Texts می‌باشد که توسط انتشارات اکسفورد به چاپ می‌رسد. این انتشارات چاپ آثار وایلد را از اواخر دهه نود میلادی در دستور کار خود قرار داده و تاکنون دو مجلد از آثار وی، *Poems* (2000) و *De Profundis* (2005) را به چاپ رسانیده است.

خویش بود که با زنده نگاه داشتن نام وایلد، وی به شکلی تحسین برانگیز زمینه ساز تحقق این هدف شد.

نتیجه‌گیری

در کنار نبوغ ذاتی یک نویسنده، استفاده از ابزار پژوهش متن یا ویراستاری و هم چنین امکانات بی شمار صنعت چاپ و نشر برای طرح و تثبیت جایگاه وی و ارتقاء او به سطح یک نویسنده کلاسیک از ضرورت تامی برخوردار است. نویسنده معمولاً در فرایند آماده سازی آثار خود و چاپ آن‌ها دخالت و نظارت مستقیم دارد و به ویژه درباره نویسندگان معاصر که آثار خویش را واجد شأن ماندگاری می‌دانند، در هر چاپ مجدد دست به ویرایش اثر خود زده و متن آن را نهایی می‌کند. اما نویسندگان بسیاری هستند که به دلایل مختلف قادر به نهایی سازی متون آثار خود نیستند و آثارشان یا توسط ویراستارانی که خود تعیین می‌کنند و یا به دست ویراستار مورد اعتماد ناشر، موثق شده و در فرایند چاپ و نشر قرار می‌گیرند. نوع نگاه یک ویراستار به آثار یک نویسنده، یقیناً در روش آماده‌سازی آثار او برای چاپ تأثیرگذار است، همان گونه در نمونه‌ای که در اوائل قرن هجدهم محقق و ویراستار توانایی به نام ریچارد بنتلی در روند تصحیح آثار جان میلتون، با هدف پاکسازی بهشت گمشده (*Paradise Lost*, 1667) شاعر از آن چه او آن را عدول از دایره زهد و تقوی می‌دانست، به تغییر بسیاری از ابیات شعر دست زد و نسخه ای از اثر مهم میلتون ارائه داد که با اصل شعر که در زمان حیات شاعر و با نظارت مستقیم خویش چاپ کرده بود، تفاوت‌های اساسی داشت.^۱ البته علم پژوهش متن نیز مانند بسیاری دیگر از رشته‌ها در طول قرون تکوین یافته است و برآن معیارهای بسیاری مترتب شده است، اما عمده این معیارها از نیمه دوم قرن بیستم و با صعود اهمیت «متن» در مثلث انتقادی «نویسنده»، «متن» و «خواننده» تدوین شده‌اند و به ندرت در باره شیوه‌های ویراستاری پیش از آن که «نویسنده-محور» بودند صدق می‌کنند. در بسیاری اوقات مفهوم نویسنده-محوری شخصیت اجتماعی و دریافت خوانندگان از ویژگی‌های اخلاقی نویسنده را

۱- رجوع شود به:

Marcus Walsh, *Bentley our contemporary* in Ian Small and Marcus Walsh (eds.), *The Theory and Practice of Text-editing*, (Cambridge, Cambridge University Press, 1991), 157-185.

نیز در بر می‌گرفت و اهمیت این عوامل چیزی از اعتبار متن اثر کم نداشت. رابرت راس اولین ویراستار آثار وایلد، با درک کامل این شرایط و بهره‌گیری موثر از ابزار صنعت چاپ و نشر و خصوصاً سنت دیرینه چاپ مجموعه آثار، دست به نهایی سازی آثار اسکار وایلد زد و موفق شد با اتخاذ تدابیر سنجیده ویراستاری، نام از دست رفته او را احیا کند. بدیهی است که نسخه مورد ارائه او از آثار وایلد، ایرادات بسیاری داشته و با معیارهای امروزی و حتی استانداردهای زمان خود او برای ارائه متن موثق از آثار یک نویسنده فاصله بسیار دارد، اما هدف اصلی راس تغییر نگرش به شخصیت وایلد بود تا به این ترتیب نام و آثار او مخاطب داشته و از صحنه ادبیات جدی حذف نگردد. برای دست یابی به این منظور، او نسخه‌ای «تطهیر شده» از شخصیت و آثار وایلد ارائه می‌دهد که در بخش عمده‌ای از قرن بیستم خوانندگان را با موفقیت به مطالعه آثار وایلد ترغیب می‌کرد. در حقیقت از اهمیت زائد الوصف مجموعه او در این باره تنها زمانی کاسته شد که پیدایش و اوج‌گیری انواع پژوهش‌های متن - مدار از نیمه دوم سده بیستم میلادی به شکل فزاینده‌ای با شیوه ویراستاری شخصیت - مدار او در تعارض قرار گرفت و رواج متون «موثق» شده او از وایلد را با مشکل مواجه کرد. چاپ پی در پی آثار وایلد از این زمان به بعد بیانگر این است که راس موفق به انجام رسالت خود در باره وایلد شده است و آن انتقال نام و آثار وی از دوره بحران و سپردن آنها به نسلی بود که قدرت دریافت آثار را بر مبنای معیارهای عینی و مستقل داشته باشد.

کتابشناسی

- Beckson, Karl, ed. (1970). *Oscar Wilde: The Critical Heritage*. London: Routledge.
- Borland , Maureen. (1990). *Wilde's Devoted Friend: A Life of Robert Ross*. Oxford: Lennard Publishing.
- Brake, Laurel. (2001). *Print in Transition, 1850-1910: Studies in media and book history*. Basingstoke: Palgrave.
- Cook, E.T. and Alexander Wedderburn, eds. (1903-12) *The Works of John Ruskin*. London; New York: G. Allen: Longmans, Green, and Co.
- Duffy, Maureen. (1989) *A Thousand Capricious Chances: A History of the Methuen list 1889-1989*. London: Methuen.
- Ellmann, Richard, ed. (1987). *Oscar Wilde*. London: Hamish Hamilton.

Gaskell, Philip. (1978). *From Writer to Reader: Studies in Editorial Method*. Oxford: Clarendon Press.

Hart-Davis, Rupert, ed. (1962). *The Letters of Oscar Wilde*. London: Hart-Davis.

Lawler, Donald. (1988). *Oscar Wilde, The Picture of Dorian Gray*. New York: W. W. Norton.

Mason, Stuart. (1914). *A Bibliography of Oscar Wilde*. London: T. Werner Laurie.

McGann, Jerome J. (1991). *The Textual Condition*. Princeton: Princeton University Press.

Millgate, Michael. (1992). *Testamentary Acts: Browning, Tennyson, James, Hardy*. Oxford: Clarendon.

Raby, Peter, ed. (?). *The Cambridge Companion to Oscar Wilde*. Cambridge: Cambridge University Press.

Ross, Robert, ed. (1908). *The First Collected Edition of the Works of Oscar Wilde (Vols. 1-14)* London: Methuen.

Ross, Margery, ed. (1952). *Robert Ross: Friend of Friends*. London: Jonathan Cape.

Shillingsburg, Peter. (1996). *Scholarly Editing in the Computer Age: Theory and Practice*. Ann Arbor: University of Michigan Press.

Small, Ian. (2000) *Oscar Wilde's Profession: Writing and the Culture Industry in the Late Nineteenth Century*. Oxford: Oxford University Press.

Small, Ian and Marcus Walsh, eds. (1991). *The Theory and Practice of Text-editing: Essays in honour of James T. Boulton*. Cambridge: Cambridge University Press